

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا
سال بیست و سوم، دوره جدید، شماره ۲۰، پیاپی ۱۱۰، زمستان ۱۳۹۲

برآمدن سرمایه‌داری نوین ایرانی: بررسی موردی شرکت اسلامی

سهیلا ترابی فارسانی^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۱۴

تایخ تصویب: ۹۲/۱۰/۱۴

چکیده

موفقیت اروپاییان در امور تجاری و پیشرفت‌هایشان در صنعت که به برتری و تسلط آنها بر اقتصاد، مالیه و تجارت دنیا منجر شد، برخی از تجار ایرانی را به فکر واداشت که با بهره‌گیری از شیوه‌های نوین تجاری، از شکل فردی بازار سنتی خارج شوند و به صورت گروهی و با ترکیب جدید سرمایه‌گذاری، از سرمایه‌های کوچک نیز بهره‌گیرند. آنان تأسیس شرکت‌ها با کمپانی‌های مالی و تجاری را به عنوان راه حلی در مقابل نفوذ و هجوم اقتصادی قدرت‌های خارجی برگزیدند و بدین ترتیب، شرکت‌ها و تجارتخانه‌های جمعی

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد. tfarsani@yahoo.com

خارج از بازار می‌توانستند جایگزین حجره‌های کوچک و تنگ درون بازار شوند.

شرکت اسلامی به ریاست محمدحسین تاجر کازرونی، از مهم‌ترین شرکت‌های تجاری اصفهان بود که شعبه‌هایی در شهرهای مختلف کشور داشت. گروه‌هایی از روشنفکران و علما در شهرهای مشهد، شیراز، بوشهر و ...، با فعالیت‌های شرکت همکاری می‌کردند. این شرکت حوزه‌ی فعالیت خود را به بیرون از مرزهای کشور، از جمله قفقاز و روسیه کشاند و اهداف خود را طی گزارش‌هایی در روزنامه‌ها منتشر کرد. با وجود همه‌ی این فعالیت‌ها، این شرکت و شرکت‌های مشابه آن از موفقیت‌چندانی برخوردار نبودند. در این مقاله با تکیه بر منابع منتشر شده، روزنامه‌ها و برخی اسناد، به دنبال پاسخ برای این پرسش‌ها هستیم که سرمایه‌داری ایرانی به دنبال چه واکنش‌های اقتصادی در مقابل سرمایه‌های بیگانه بود، برخورد آن‌ها با سرمایه‌گذاری‌های جدید چگونه بود و چه عواملی در راهکارهای جدید تجار مؤثر بودند؟

واژگان کلیدی: تجار، قاجاریه، اصفهان، محمدحسین کازرونی،

روشنفکران، شرکت اسلامی.

۱. مقدمه

درباره‌ی فعالیت‌های شرکت‌های تجاری در دو دهه‌ی قبل از مشروطه، آگاهی‌های پراکنده‌ای وجود دارد. بسیاری از اعلان‌ها و نامه‌ها در نشریات منتشر شده‌اند و برخی نیز یا در آرشیوهای خصوصی خانواده‌های تجار از بین رفته‌اند یا هنوز منتشر نشده‌اند. تشکیل شرکت‌های تجاری یکی از راهکارهای سرمایه‌داری داخلی برای رویارویی با هجوم سرمایه‌های بیگانه بود. واکاوی تأسیس و فعالیت‌های این شرکت‌ها از خلال منابع محدود

بازمانده، برای شناخت ما از چگونگی عملکرد سرمایه‌داری تجاری ایران در سال‌های بحرانی پیش از مشروطیت سودمند است. در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم میلادی، یکی از بازتاب‌های مقابله‌ی سنت و مدرنیسم در حوزه‌ی اقتصادی، تحولی بود که در راهیابی‌های جدید تجار و خروج از نظام سنتی بازار به وجود آمد. سرمایه‌گذاری سنتی بیشتر در چارچوب خانوادگی شکل می‌گرفت؛ اما با این شیوه‌ی جدید، شرکت‌ها و تجارتخانه‌های جمعی جایگزین حجره‌های کوچک و تنگ درون بازار می‌شدند. از آنجا که با نفوذ و گسترش سرمایه‌های بیگانه در ایران، به ویژه در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم میلادی، عملکرد نظام سنتی بازار ایران در مقابل قدرت‌های تجاری بیگانه قادر به ماندگاری و پاسخگویی نبود و دولت نیز خود را موظف به حمایت از سرمایه‌های داخلی نمی‌دانست و قوانین حمایت‌کننده‌ای نیز در این خصوص وجود نداشت، تجار برای مقابله با هجوم کالاهای خارجی و به دست گرفتن بازار، به دنبال راهکارهای جدید گشتند.

تجار برتری اقتصادی اروپاییان را به دلیل داشتن راز و رمز می‌انگاشتند و برای مقابله با هجوم کالاهای وارداتی به کشور، امید داشتند که بتوانند «حیله‌های تجارت» آنان را بیاموزند. یکی از این حیله‌ها به کار گرفتن سرمایه‌های کوچک و راکد در دست مردم و ایجاد شرکت‌های سهامی گسترده و کمپانی‌ها بود (وامبری، ۱۳۷۲: ۹۶).

تجار برای انجام این کار و انتقال خواست‌های خود به بدنه‌ی جامعه، از نفوذ روحانیون و تأیید و همراهی آن‌ها استفاده می‌کردند. یکی از تعارضات درونی طبقه‌ی تجار، اختلاف نظر بین تجار بزرگ و متوسط در مورد واردات بود. آن‌ها با اینکه در ایجاد شرکت‌های سهامی و افزایش سرمایه متفق و همسو بودند، در برخورد با انواع اجناس وارداتی اختلاف نظر داشتند؛ برای نمونه، تاجر بزرگی چون امین‌الضرب، مخالفی با ورود کالاهای غربی نداشت؛ زیرا اشراف، ثروتمندان و درباریان متمول، خریدار اجناس لوکسی بودند که وی از اروپا وارد می‌کرد (Mahdavi, 1998: 124-126). او در سرمایه‌گذاری در بخش صنایع و ورود به این حیطه نیز بسیار فعال بود. تجار متوسط به دلیل کمبود سرمایه و وابستگی به بازارهای داخلی با ورود اجناس خارجی به کشور مخالف بودند. این گرایش‌ها

به میزان سرمایه، نوع فعالیت تجاری، میزان نزدیکی با حاکمیت محلی یا دولت و سطح و گستردگی ارتباطات تجار بستگی داشت.

روشنفکران با بهره‌گیری از آگاهی و آشنایی نسبی خود از غرب، سعی می‌کردند از طریق روزنامه‌ها آگاهی‌های لازم را در مورد شیوه‌ی مدرن تجاری در اختیار تجار قرار دهند و به فعالیت‌های آن‌ها سمت و سو بدهند. میرزا یعقوب خان، پدر میرزا ملکم خان ناظم الدوله، «ایجاد شراکت و کمپانی» را در بهبود راه‌ها، حمل‌ونقل، پست، ایجاد اشتغال و کسب منفعت بیشتر ضروری می‌دانست (آدمیت، ۱۳۵۱: ۴۶-۴۷). یکی از اصلاح‌طلبان عصر ناصری در رساله‌ی خود به نام «سیاست مدن»، بر لزوم افزایش سرمایه از طریق تشکیل کمپانی تأکید می‌کند و این امر را موجب توسعه‌ی صنایع و متکی بر سه عنصر سرمایه، کارگر و مصالح می‌داند (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۲۴۹).

روشنفکران می‌کوشیدند طریقی برای «راه نجات» کشور ارائه کنند و با بیان طرح‌های گوناگون، به تجار روش ارائه می‌کردند. رواج قانون، توسعه‌ی صنایع، ایجاد راه‌آهن، گسترش راه‌های ارتباطی، پیشرفت علم، دانش و تکنولوژی، توسعه‌ی فرهنگی از طریق افزایش مدارس و تدریس دروس مفید و ایجاد شرکت‌های سرمایه‌گذاری از توصیه‌های آن‌ها بودند. روشنفکران به تبلیغ دیدگاه‌های خود در روزنامه‌ها می‌پرداختند و گاه تا جایی پیش می‌رفتند که نمایندگی این شرکت‌ها را نیز می‌پذیرفتند؛ برای نمونه مؤیدالاسلام، مدیر روزنامه‌ی حبل‌المتین و میرزا علی محمد خان کاشانی، مدیر روزنامه‌ی ثریا، برای حمایت و تشویق شرکت اسلامیة بسیار کوشیدند (رضوانی، ۱۳۶۵: ۲۸).

۲. تأسیس شرکت اسلامیة

در ادامه، از بین همه‌ی شرکت‌های تجاری که در شهرهای مختلف کشور و از جمله اصفهان تأسیس شدند تا شاید راهی برای برون‌رفت از مداخله‌ی سرمایه‌های بیگانه در کشور یافته شود، به واکاوی کارکرد شرکت اسلامیة می‌پردازیم.

شرکت اسلامیة یکی از مهم‌ترین شرکت‌هایی بود که در ذی‌القعدة‌ی سال ۱۳۱۶ (مارس ۱۸۹۹) به ریاست محمدحسین کازرونی، معروف به حاجی کاکا حسین و از تجار

مشهور اصفهان، در این شهر تأسیس شد (بامداد، ۱۳۶۳: ۳۹۴). هیئت امنای این شرکت شامل حاج میرزا محمد مشکى، حاج میرزا اسدالله نقشینه و حاج محمد کاظم مثقالی بود و مدیریت کل شرکت در اصفهان را میرزا علی نقشینه (ادیب‌التجار) بر عهده داشت. شعبه‌های شرکت و افرادی که نمایندگی شرکت را بر عهده داشتند، عبارت‌اند از: بوشهر (محمدشفیع کازرونی و محمدحسین دهدشتی)، شیراز (میرزا محمود کازرونی و عبدالرحمن شیرازی)، قمشه (محمدباقر اصفهانی و سید عبدالله قمشه‌ای)، کرمان (سید محمدهاشم معین‌التجار و حاج ملا محمد کریم دارابی)، یزد (حاج محمد عرب کرمانی و حاج میرزا محمد مهدی طبسی)، مشهد (رضا ملک‌التجار و عبدالکریم کاشانی)، سمنان (محمد مهدی کاشانی)، قم (مشهدی عبدالرضا تبریزی و محمدباقر فرزند محمدهادی قمی)، کاشان (حاج محمدتقی کاشانی و فرج‌الله قزوینی)، سلطان‌آباد (حاج محمدحسن خوانساری و محمد آقا طهرانی)، رشت (حاج آقا تاجر رشتی و میرزا محمد کاظم نقشینه اصفهانی)، قزوین (سید ابوالقاسم اصفهانی و میرزا احمد نقشینه اصفهانی)، بارفروش و کل مازندران (محمد جواد وارث اصفهانی)، اشرف (حاج نصرالله اصفهانی)، کرمانشاه (حاج محمدتقی و عبدالعظیم اصفهانی)، تبریز (حاج میرزا علی‌اکبر معتمدالتجار و محمدعلی اصفهانی)، همدان (حاج عبدالحمود و محمدحسین ناظم‌التجار اصفهانی)، سنندج (احمدخان مستوفی ایلخانی).

در تهران ریاست شعبه ابتدا بر عهده‌ی میرزا احمد امین‌الصنائع قرار داشت که مردی شاعرپیشه و ادیب بود. وی نمایندگی جراید را نیز بر عهده داشت و در انجام امور نمایندگی ناتوان بود؛ بنابراین ناچار اعضای شرکت در صدد انتخاب فردی صالح برآمدند و سرانجام حاج حسین امین‌الضرب ریاست شعبه‌ی تهران را پذیرفت و «اسباب افتخار و امتنان» مؤسسين شرکت در اصفهان شد (ثریا، ش ۴۹: ۱۶). محمدتقی شاهرودی تاجر اصفهانی، محمدعلی تاجر کاشانی و میرزا علی محمد تاجر اصفهانی از اعضای دیگر هیئت رئیسه‌ی شرکت بودند و حاج میرزا حبیب‌الله تاجر کاشانی مباشر و وکیل شرکت در تهران بود (ثریا، ش ۴۹: ۱۶ و ۱۳؛ اطلاع، ش ۴۷۶: ۴).

در نظامنامه‌ی شرکت اسلامی برای معرفی مؤسسين آن آمده است که «تجدید اخوت و عقد شراکتی» بین علماء، امراء، تجار و کسبه، از خواص و عوام است. این شرکت و نمونه‌های مشابه آن در آن روزگار مؤسساتی صنفی بودند که بر پایه‌ی نوعی آگاهی طبقاتی بنا شده بودند. علما از این گونه شرکت‌ها حمایت می‌کردند و روشنفکران با تشویق و ترسیم خطوط کلی آن‌ها، مسیر حال و آینده و جایگاهشان در آینده‌ی کشور را آشکار می‌کردند و با قلم خود به حمایت از آن‌ها می‌پرداختند. آن‌ها به‌ویژه بر مواردی، از جمله حمایت از تولیدات داخلی و اقتصاد ارشادی حمایتی، تأکید می‌کردند.

۱-۲. نظامنامه، اهداف و فعالیت‌ها

در نظامنامه‌ی شرکت که در ۴۳ فصل تنظیم شده است، ابتدا به لزوم و اهمیت تأسیس شرکت و امر شراکت و اینکه «در ممالک متمدنه از هر طبقه حتی کفاش، نجار و غیره تماماً کمپانی می‌شوند» اشاره شده است (نجفی، ۱۳۶۹: ۵۴)، سپس به معرفی هیئت رئیسه و اعضای شعبه‌ی اصلی در اصفهان پرداخته شده است و بعد اعضای شعبه‌ی تهران معرفی شده‌اند. سرمایه‌ی شرکت پانصد هزار تومان از قرار پنجاه هزار سهم ده تومانی بود. در اصفهان هر پنجشنبه و در تهران هر ده روز مدیران شرکت نشست‌هایی داشتند تا در خصوص مسائل شرکت تبادل نظر کنند. سود شرکت شش درصد برای سال اول و در سال‌های بعد دوسالانه بود و سهامداران تا سه سال حق مطالبه‌ی سرمایه را نداشتند. در نظامنامه‌ی شرکت اعلام شده بود که این شرکت تجارت کالاهای خارجی نخواهد کرد؛ مگر در مورد بعضی ادوات کارخانه‌ها، حمل کالاهای داخلی به خارج، مشارکت در راه آهن و راه‌سازی. تدارک لباس تمام اهالی ایران نیز یکی از این اهداف بود. در فصلی از نظامنامه آمده است تمام اعضای شرکت موظف هستند لباس خود را از منسوجات شرکت و کالاهای داخلی تهیه کنند. حتی گفته شده است علمای اصفهان می‌خواستند مردم را از پوشیدن لباس و منسوجات خارجی منع کنند؛ اما رؤسای شرکت خواستند تا شرایط فراهم نشده است، این حکم اعلام نشود. تجار ابراز کردند از هر کالایی که از آن‌ها درخواست شود، حتی ماهوت اتریشی، به اندازه‌ی کافی آماده خواهند کرد؛ فقط تقاضا آنقدر باشد

که بتوانند ادوات نساجی آن را از فرنگستان وارد کنند. شرکت اعلام آمادگی کرد برای جلوگیری از احتکار و قحطی، در حمل و نقل ارزاق عمومی فعالیت خواهد کرد؛ حتی اگر به صرفه نباشد. تشویق اختراعات، ابتکارات و صنایع و خدمات حمل و نقل کالا و امور صرافی و دادوستد بروات معتبر در داخل و خارج کشور، از دیگر اهداف شرکت بود (ثریا، ش ۴۹: ۱۴-۱۶؛ حکمت ش ۸: ۷-۱۲).

در نظامنامه‌ی شرکت از اصطلاح‌های «مجلس مشورت‌خانه» برای اجتماعات اعضای شرکت و از «قانونیه اساسیه» برای شرح حدود اختیارات و کلای شرکت استفاده شده است (نجفی، ۱۳۶۹: ۶۴-۶۵) که نشانه‌هایی از تأثیر فرهنگ و نهادهای مدرن در تشکیل این گونه شرکت‌ها هستند. حمایت شرکت از ابداعات و اختراعات نیز که در فصل سی و سوم نظامنامه به آن‌ها اشاره شده است، لزوم سیال بودن این گونه فعالیت‌ها و اجتناب‌ناپذیر بودن همراه شدن سرمایه‌ی بومی با تحولات زمان را آشکار می‌کند.

۲-۲. فعالیت شرکت: تعارضات و ناکامی‌ها

چنانکه گفتیم، شرکت در بیشتر شهرهای کشور و در برخی از کشورها شعبه‌هایی تأسیس کرد. در شیراز حاج عبدالرحمن صاحب شیرازی، مدیر کمپانی فارس، و کالت شرکت اسلامی در آن شهر را پذیرفت. به نظر می‌رسد برای افتتاح شعبه‌ی شرکت در شیراز موانعی وجود داشت که شرکت به ناچار سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی را برای تبلیغ و ایراد سخنرانی به شیراز فرستاد. وی مجموعه سخنرانی‌هایی در مسجد وکیل انجام داد و مردم را به استفاده از کالاهای وطنی ترغیب کرد؛ اما شرکت در شیراز توفیق چندانی نیافت و در جراید آن زمان از افتتاح شعبه‌ی شرکت در شیراز سخنی نیست. از منابع موجود، علت این ناکامی به درستی معلوم نمی‌شود؛ آیا گروه‌هایی از تجار که از طریق ورود کالاهای غربی به تجارت می‌پرداختند با چنین شرکتی مخالف بودند یا سرمایه‌های خارجی با همکاری عوامل داخلی موانعی ایجاد می‌کردند و یا نوعی اختلاف نظر بین تجار شیراز و اصفهان وجود داشته است؟

یک سال پس از انتشار نظامنامه‌ی شرکت در جراید، در روزنامه‌ی پرورش اختلاف نظر بین تجار شیراز و اصفهان در خصوص گمرک منعکس شد. ظل‌السلطان طی تلگرافی به مستشارالملک، از بستن بازار شیراز انتقاد کرد:

بعضی اقدامات از تجار شیراز سر زده که خلاف دولتخواهی است و به تجار اصفهان در باب عمل گمرک قرار صحیح که مقرون به صلاح و صرفه تجارت است داده شده و تجار اصفهان با کمال میل خاطر قبول نموده‌اند و عمل ختم شده است (پرورش، ۸ جمادی‌الاول ۱۳۱۸، ش ۱۳: ۸).

ظل‌السلطان این اعمال را خلاف عقل و دولت‌خواهی دانست و آن‌ها را تهدید کرد که «هرگاه بعد از این اقدامی از آن‌ها نسنجیده شود، خطر و صدمه و زحمت برای آن‌ها خواهد داشت. چه معنی دارد هر روز عنوانی نمایند که دادوستد موقوف و باب معاملات مسدود شود و بخواهند اسباب فساد در کار بیاورند؟». تجار شیراز نیز جوابیه‌ای خطاب به مستشارالملک منتشر کردند و از وضع بد تجارت خود ابراز ناراحتی کردند:

اهالی شیراز ... از دعاگویان مخصوص ... هیچ منتظر تلگراف بی‌مرحمتی نسبت به تجار محترم نبودند. اینکه آن‌ها به تجار اصفهان و کالت نداده‌اند که عمل را تمام کنند ... خلاصه ما به جز دعاگویی و پادشاه‌پرستی مقصودی نداریم؛ مگر اینکه استدعای دعاگویان این است که در مسئله‌ی گمرک نسبت به خارجه امتیازی داشته باشیم که بتوانیم در تجارت با آن‌ها هم‌قدم بشویم (پرورش، ۸ جمادی‌الاول ۱۳۱۸، ش ۱۳: ۸-۹).

شاید موارد یاد شده و اختلاف نظر مقطعی تجار شیراز و اصفهان در خصوص گمرک، یکی از دلایل ناموفق بودن فعالیت شرکت اسلامی در شیراز بوده است.

در شهرهای دیگر نیز تلاش‌هایی برای فعالیت شرکت انجام شد. در بوشهر آقا سید محمدرضا تاجر کازرونی و کالت شرکت را بر عهده داشت و افتتاح آن در ماه صفر ۱۳۱۸ بود. در یابگی بوشهر برای تشویق فعالیت‌های شرکت، نخستین محموله‌ی آن را یکجا خریداری کرد؛ اما در بوشهر نیز مانند شیراز دست‌هایی برای سنگ‌اندازی در کار شرکت آغاز به کار کردند. روزنامه‌ی جبل‌المتین به حسادت برخی افراد و تلاش برای از بین بردن اعتبار و کیل شرکت اشاره می‌کند و می‌افزاید سید محمدرضا تاجر کازرونی شخص

«درستکار وطن شناس» است و به این دلیل که «رجوعات به دیگران کمتر شده بعضی از همکاران در باطن با ایشان عناد ورزیده محرک بعض مردمان بیکار شده که به اداره‌ی روزنامجات خطرپرانی نموده حقیقت حالات را قسم دیگر جلوه دهند» (جبل‌المتمین، ش ۲۰: ۱۳). در پایان قبل از آرزوی ترقی وطن، خواهان اصلاح فساد اخلاق ملت می‌شود. از مندرجات روزنامه‌ی ثریا نیز مشخص می‌شود که شخصی به نام سید حسن طلبه با طرح ادعاهای واهی در صدد بی‌اعتبار کردن و کیل شرکت اسلامی برمی‌آید (ثریا، ش ۱۳: ۱۳). به هر روی، شرکت در بوشهر نیز کاری از پیش نمی‌برد. به نظر می‌رسد تعارضات درونی طبقه‌ی تجار مانع تداوم فعالیت‌های شرکت در سراسر کشور شده بود.

شرکت در مشهد از حمایت ادیب‌الممالک فراهانی، شاعر، ادیب و سخنور نامدار که در مشهد سکونت داشت، بهره جست. وی در روزنامه‌ی ادب مقالاتی در تبلیغ شرکت نگاشت و خلاصه‌ی سخنرانی‌های سید جمال واعظ را در شیراز به چاپ رساند. با وجود تبلیغات بسیار درباره‌ی بی‌اعتنایی به منسوجات فرنگی و تشویق صنایع وطنی، شرکت اسلامی موفق نشد در مشهد نمایندگی ایجاد کند. در مورد فعالیت شرکت در تبریز نیز آگاهی در دست نیست و تنها خلاصه‌ای از سخنرانی مجتهد تبریز، حاجی میرزا حسن آقا منتشر شده است که مردم را از استعمال «منسوجات اجانب» بر حذر داشته است (جبل‌المتمین، ش ۲۱: ۱۴).

شرکت در تبریز نیز نتوانست کاری انجام دهد؛ زیرا این شهر از بزرگ‌ترین مراکز تجاری کشور از نظر واردات و صادرات بود و از طریق استانبول به اروپا کالا حمل می‌کرد و تجار بزرگی که در آن زندگی می‌کردند واردکننده‌ی کالاهای غربی بودند. بدیهی است طیفی از این تجار با فعالیت شرکتی که کالاهای وطنی را تبلیغ می‌کرد، نمی‌توانستند موافق باشند. احتمالاً مخالفت و رقابت شرکت‌های دیگری که در تبریز فعالیت تجارتهی داشتند و رقابت محمدعلی میرزا ولی‌عهد در تبریز با عمویش ظل‌السلطان در اصفهان که از شرکت حمایت می‌کرد نیز در ناکامی‌های شرکت در تبریز مؤثر بوده‌اند.

شرکت اسلامی تنها به فعالیت در شهرهای کشور بسنده نکرد و حوزه‌ی فعالیت خود را به بیرون از مرزها نیز گشاند. حاج زین‌العابدین تقی‌اف، از سرمایه‌داران بزرگ قفقاز،

و کالت شرکت را بر عهده گرفت و ارفع‌الدوله، سفیر ایران در روسیه، طی بخشنامه‌هایی مفصل به همه ی کنسولگری‌های ایران در روسیه و مأمورین مقیم آن کشور، آنان را از ایجاد چنین شرکتی آگاه کرد (جبل‌المتین، ش ۱۸: ۱۴). شرکت در روسیه تبلیغ و تلاش بسیار برای بازاریابی کرد و میرزا نعمت‌الله و آقا محمدباقر تاجر اصفهانی و کالت شرکت در مسکو را بر عهده گرفتند. شرکت اسلامی به فکر ایجاد نمایندگی در کشور مصر نیز افتاد. آقا میرزا محمدحسین مشکی از طرف شرکت به مصر اعزام شد تا مقدمات ایجاد نمایندگی را در آنجا مهیا کند (ثریا، ش ۳۳: ۱۳). شعبه‌ی شرکت اسلامی در مصر با همکاری برخی تجار ایرانی مقیم مصر، در رجب سال ۱۳۱۸ افتتاح شد. حاجی آقا بزرگ تاجر شیرازی، حاجی محمد عزیز تاجر هندی و حاجی میرزا علی اکبر تاجر اصفهانی در آغاز با شعبه‌ی مصر شرکت اسلامی همکاری کردند (پرورش، ۴ شعبان ۱۳۱۸، ش ۲۳: ۱۱). میرزا محمدجواد تاجر مشکی و میرزا علی محمد خان کاشانی، مدیر روزنامه‌ی ثریا، از وکلای شرکت در مصر بودند.

در بغداد نیز در شوال سال ۱۳۱۸ جلسه‌ای از تجار بغداد تشکیل شد تا درباره‌ی همکاری با شرکت اسلامی گفت و گو کنند. وکلای شرکت در بغداد، حاجی میرزا کاظم طباطبایی و حاجی سید حسین حکاک بودند. در جایی دیگر، سید محمد کاظم تاجر اصفهانی و حاج سید حسین افندی به عنوان نماینده‌ی شرکت در بغداد معرفی شده‌اند (ثریا، ش ۴۹: ۱۱-۱۲). وکلای شرکت در اسلامبول، اخوان جواهری‌زاده اصفهانی و حاج میرزا محمد شفیع امین‌التجار اصفهانی بودند. در بمبئی حاج سلطان علی شوشتری و حاج محمدجواد عرب تاجر کرمانی، در کلکته مؤیدالاسلام مدیر روزنامه‌ی جبل‌المتین و در لندن حاج میرزا اسدالله تاجر کاشانی و حاج علی اکبر تاجر شیرازی وکیل بودند (جبل‌المتین، ش ۱۸: ۲۰). با وجود گستردگی ارتباطات شرکت و پذیرش نمایندگی شرکت اسلامی در داخل و خارج از کشور، ناهماهنگی عمومی دولت با تجار، تعارضات درونی طبقه‌ی تجار و رقابت سرمایه‌های قدرتمند بیگانه، تداوم فعالیت آن را غیرممکن کردند. دولت قاجار در کی از حمایت از سرمایه‌های داخلی در مقابل سرمایه‌های بیگانه نداشت و واگذاری امتیازات به قدرت‌های خارجی نیز به همین صورت انجام می‌شد.

۳. روشنفکران و تأسیس شرکت اسلامی

در تحلیل پیدایش و تعیین عناصر مؤثر در تأسیس شرکت سهامی اسلامی، نقش طیفی از ایده‌های روشنفکران که از طریق روزنامه‌های منتشر شده در خارج از کشور توصیه و ارائه می‌شدند، قابل بررسی است. روزنامه‌ی ثریا علاوه بر آرزوی موفقیت برای شرکت اسلامی و رفع احتیاج از اجانب و اهمیت تجارت، توصیه‌هایی به رؤسای شرکت می‌کند که عبارت‌اند از: ۱- کارخانه‌ی ریسمن‌بافی در کشور ایجاد شود که پنبه‌ی ایران به فرنگ برود تا نخ را با چندین برابر به ایرانی‌ها بفروشند؛ ۲- در خارج از کشور وکلای تجاری وجود داشته باشد؛ ۳- در تصمیم‌گیری‌های شرکت، تصمیمات شورایی و حکم اکثریت اهمیت داشته باشد و ۴- شرکت شرط کند سهام خود را به خارجه نفروشد (ثریا، ش ۴۷: ۹-۱۰). این توصیه‌ها مورد توجه اعضای شرکت قرار گرفتند و در نظامنامه وارد شدند. تعیین خطوط کلی و روند سیاستگذاری شرکت، در ارتباط‌های روشنفکران با تجار شکل می‌گرفت. از آنجا که این‌گونه شرکت‌ها در مقایسه با فعالیت‌های تجاری سنتی که بیشتر فردی یا خانوادگی بودند، مدرن محسوب می‌شدند، روشنفکران در راهیابی‌های کلی توسعه‌ی کشور از آن حمایت کردند و به ترسیم نکات مثبت و منفی و ساز کارهای اجرایی آن پرداختند. اعضای شرکت اسلامی‌ی اصفهان نیز از مدیر روزنامه‌ی ثریا برای شرحی که از شرکت اسلامی در روزنامه درج کرد، تشکر کردند: «الحق این کار بزرگ نتیجه‌ی زحمات شما و مدیر محترم جبل‌المتین است ... اینک باز غیرتمندان وطن محض پیشرفت مقاصد شرکت تجدید اخوت فرموده» (ثریا، ش ۴۷: ۹-۱۰).

در روزنامه‌های ثریا و پرورش، تأسیس شرکت بسیار تبلیغ شده و مورد حمایت قرار گرفته است. این روزنامه‌ها در این کار، از اعتقادات مذهبی مردم و تأیید و حضور علما گرفته تا برانگیختن احساسات ملی و وطن‌پرستانه و ضد بیگانه، بهره بردند. آنان به افرادی که در معامله‌ی کالاهای خارجی بودند هشدار دادند و بر لزوم استفاده از منسوجات داخلی تأکید کردند و حتی اعلام شد: ممکن است حکمی از سوی علما صادر شود که موجب زیان برخی شود؛ پس بهتر است سهام این شرکت را بخرید (ثریا، ش ۵۱: ۲-۴). «رواج امتعه در داخل به تشویق علما ... و ارباب جراید و در خارج به واسطه‌ی وکلای ملت‌پرست

شرکت» بوده است (همان). حاج میرزا اسدالله تاجر کاشانی، نماینده‌ی شرکت در لندن، مسیر و دورنمای سیاستگذاری شرکت را فعالیت «در زمینه‌ی صنعت، معادن، راه آهن و سایر تأسیسات جدید» دانست (ثریا، ش ۵۱: ۴-۵) که نشان‌دهنده‌ی گرایش درونی تجار بزرگ به این موارد است.

هرچند جراید در پی برانگیختن احساسات مذهبی و وطن‌پرستانه بودند و از سهام‌گذاران می‌خواستند به منافع غیرمادی آن بیندیشند، بیان می‌کردند که این سهام‌گذاران از طیف‌های متفاوتی بودند. در مقاله‌ای با عنوان «مکتوب دل‌سوخته ملوم اصفهانی از اصفهان»، انگیزه‌ی مشارکت و گروه‌های شرکت‌کننده در شرکت اسلامی معرفی و تقسیم‌بندی می‌شود. افراد مشارکت‌کننده «جمعی از علمای اعلام و رجال فخام و تجار ذی‌الاحترام» بودند که طیفی از آن‌ها برای پیشبرد این «امر خیر» و «قربت الی الله» سهام خریدند، دسته‌ی دوم «محض اطاعت امر علما و همراهی با رجال» که قصدشان کمک بود و «در جزء هم از شهرت اسم بی‌مضایقه نبودند» و دسته‌ی سوم «سبب حساب دادن» و فقط برای کسب سود. نویسنده در تحلیل این مقاله کوشیده است حس وطن‌دوستی، ترقی‌خواهی و همکاری برای «ورود تمدن»، جایگزین منفعت‌طلبی شخصی شود: «نباید برای منفعت سهام خرید؛ بلکه از روی وطن‌دوستی و ورود تمدن باید سهم خرید» (پرورش، ۱۰ جمادی‌الثانی ۱۳۱۸، ش ۱۶: ۱۱-۱۲).

علاوه بر تأکید بر حمایت اولیای دولت و علمای اصفهان و تشکر از آقا نجفی و رکن‌الملک، نایب‌الحکومه‌ی اصفهان و توجه ظل‌السلطان به حمایت از شرکت (پرورش، ۱۰ جمادی‌الثانی ۱۳۱۸، ش ۱۶: ۱۶-۱۵) که این پشتیبانی‌ها دلگرمی برای سهام‌گذاران ایجاد می‌کرد و برای پیشبرد اهدافشان لازم بود، در شماره‌ی دیگری از روزنامه از دولت و پادشاه طلب کمک شد تا دستور دهند عامه‌ی مردم منسوجات شرکت را بخرند، لباس‌های لشکر و سربازان را از شرکت خریداری کنند و شاه از لباس شرکت بیوشد تا مردم نیز پیروی کنند. همچنین بیان شد که عمل مؤسسين شرکت و کسانی که از منسوجات آن می‌پوشند در حکم «مجاهد فی سبیل‌الله» است؛ آنان نفوذ اقتصادی و رواج کالاهای اروپاییان را نوعی اعلام جنگ با ایرانیان و تداوم آن را نوعی تهاجم به کشور می‌دانستند،

«چراکه فرنگیان در عوض توپ کروپ با توپ چلواری و متقال و دبیت و سایر اقمشه همی با ما در جنگ و از مملکت ما قسمی تصاحب می شوند» (پرورش، ۲۱ جمادی الثانی، ش ۱۷: ۱۱-۱۲). تفکر تهاجم بیگانه و لزوم مقابله با این هجوم از طریق خرید منسوجات شرکت اسلامی، تلاش دیگری بود برای جلب حمایت ملت و دولت و پیشبرد اهدافی که روشنفکران و تجار در پی آن بودند. آنان امید داشتند با همکاری روشنفکران، تجار و علما و همکاری امرای دولت و شاه، به زودی «شرکت‌های خیلی بزرگ ملی در کشور ایران» به وجود آید و کارهای بزرگی از قبیل کار در معادن، تأسیس راه آهن، تأسیس صنایع و بانک‌های معتبر را ببینند. آنان باور داشتند که عمل بر اساس «علم تجارت» با فهمی مدرن از تجارت مرتبط است و «تاجر عالم» می‌سازد که با «تاجر جاهل» بسیار متفاوت خواهد بود (ثریا، ش ۴۸: ۱۲-۱۳).

در مقاله‌ای آمده است: «فریاد می‌زدیم وطن باید ترقی کند و اول قدم در راه ترقی افتتاح مدارس و انعقاد شرکت تجارته است» (ثریا، ش ۴۹: ۴-۷). در این مرحله به خوبی همراهی تجار و روشنفکران را می‌توان دریافت؛ چنانکه سرمایه‌ی تجار، ابزاری عملی برای تحقق شعارهای روشنفکران شد. همکاری نزدیک روشنفکران با تجار، از تبلیغ و تشویق، نگارش مقاله‌های وطنی و برانگیختن عرق مذهبی تا پذیرش نمایندگی شرکت، نمادی از همکاری نزدیک این دو طیف با یکدیگر برای رسیدن به ترقی، توسعه و رشد اقتصادی بود؛ به طوری که مؤیدالاسلام، مدیر جبل‌المتین، وکالت شرکت را در کلکته پذیرفت و بسیاری معتقد بودند «تأسیس شرکت از تأثیر قلم» این شخص بوده است (ثریا، ش ۴۹: ۴-۷).

۴. روحانیون و شرکت اسلامی

شرکت اسلامی علاوه بر حمایت‌های مسعود میرزا ظل‌السلطان، والی مقتدر اصفهان و رکن‌الملک، نایب‌الحکومه‌ی شهر، برای موفقیت در انجام امور خود به جلب حمایت گروه‌های مؤثر اجتماعی نیاز داشت. برای جلب نظر توده‌ها لازم بود که روحانیون از شرکت حمایت کنند؛ بنابراین صاحبان شرکت کوشیدند روحانیون را به پشتیبانی از خود

برانگیزند. سمت و سوی ملت‌گرایانه بستری بود که به‌خوبی با اهداف ضدیگانه و دشمن‌ستیزانه‌ی روحانیون هماهنگی داشت؛ بنابراین روحانیون بزرگ اصفهان، شیخ محمدتقی آقاجنقی و برادرش حاج آقا نورالله عمادالاسلام، از شرکت حمایت مؤثر کردند (نجفی، ۱۳۹۰: ۱۷۷-۱۸۳).

آقاجنقی طی نامه‌ای به مدیر روزنامه‌ی ثریا، از حمایت‌های آن روزنامه از شرکت اسلامیة تشکر کرد و اقدام شرکت را به «منزله‌ی جهاد» تلقی کرد و یکی از فواید آن را این دانست که منسوجات شرکت «ملت و امت ناجیه را از احتیاج به کفار مانع بزرگی است» (رجبی، ۱۳۹۰: ۴۱۶). وی طی نامه‌ی دیگری خطاب به مدیر روزنامه‌ی جبل‌المتین، عمل شرکت را موجب قطع نفوذ خارجی در بین مسلمانان دانست؛ ولی حرام کردن منسوجات و اقمشه‌ی آن‌ها را در شرایط آن زمان ضروری ندانست: «تا زمانی که [امتعهدی مسلمین کافی و وافی اسلامیان نشود و عدم احتیاج مسلمانان در استعمال منسوجات دیگر معلوم نگردد، اقدام در منع نخواهد شد» (جبل‌المتین، ش ۱۸: ۱۷ و ۱۹). وی حتی در راستای حمایت از شرکت، با آن مشارکت مالی نیز کرد (نجفی، ۱۳۶۹: ۷۳).

حاج آقا نورالله اصفهانی نیز طی نامه‌ی تشکری به مدیر روزنامه‌ی جبل‌المتین، رونق شرکت اسلامیة را موجب خیر دنیا و آخرت و ترویج دین و شریعت دانست (جبل‌المتین، ش ۱۹: ۱۷). وی ابراز کرد که حتی اگر کیفیت کالاهای داخلی به میزان کالاهای خارجی نباشد، نباید کالاهای خارجی بخریم تا «سرمایه و نفوذ را به خارجه نِسپاریم» (نجفی، ۱۳۶۹: ۴۰). وی معتقد بود این شرکت می‌تواند موجب آبادانی شود و «ما را از ذلت احتیاج به خارجه برهاند» (همان: ۳۹).

علاوه بر روحانیون بانفوذ اصفهان، علمای بزرگ دیگری نیز برای حمایت از شرکت اسلامیة فتوا صادر کردند یا اعلان‌هایی منتشر کردند. ملا محمد کاظم خراسانی، عبدالله مازندرانی، سید محمد کاظم یزدی، سید اسماعیل صدرالدین موسوی اصفهانی، حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل، محمد غروی شریانی، محمدحسن مامقانی، میرزا حسین نوری و میرزا فتح‌اله شیرازی از جمله روحانیونی بودند که از شرکت اسلامیة پشتیبانی کردند و مردم را به استفاده از محصولات آن تشویق کردند (جبل‌المتین، ش ۲۱: ۱۴).

محمد کاظم خراسانی حمایت از منسوجات شرکت اسلامی را موجب تبدیل ذلت به عزت و خشنودی حضرت امام عصر دانست و حتی طی نامه‌ای از شاه خواست که از شرکت اسلامی حمایت کند (نجفی، ۱۳۶۹: ۸۴). یکی دیگر از روحانیون، تقویت این شرکت را از «مصالح دینیه و دنیویه» قلمداد کرد و «تکلیف متمکنین» را ترویج و تشویق این شرکت دانست. در نامه‌ای دیگر آمده است که باید در رونق شرکت کوشید تا «منسوجات ممالک خارجه که سبب اختلال امور کافه‌ی مسلمین شده» مصرف نشود. این عمل از دید علما موجب ترویج دین و دنیا و عاید دولت و ملت خواهد شد (ثریا، ش ۱۳: ۱۹-۲۰؛ همان، ش ۱۴: ۱-۲؛ رجبی، ۱۳۹۰: ۴۱۷-۴۲۱).

چنانکه گفتیم، حمایت همه‌جانبه‌ی علما از تولیدات شرکت، شامل فتواها، نامه‌های مندرج در روزنامه‌ها، خطابه و وعظ بر منبر، نامه به شاه و سردمداران سیاسی برای حمایت از شرکت، مشارکت مالی و حمایت از فروش منسوجات آن بود. با اینکه تلاش شد فتوای تحریم کالاهای خارجی داده شود، برخی علما آن را تا زمان گسترش همه‌جانبه‌ی تولیدات شرکت مناسب ندانستند. برگزیدن نام اسلامی برای شرکت نیز می‌توانست بهره‌گیری از مفاهیم دینی را برای پیشبرد امور شرکت آسان‌تر کند. نزدیکی روحانیون و تجار، شرایط را برای همراهی این دو گروه فراهم می‌کرد. رویکرد روحانیون در این امر تمسک به یک مفهوم کهن اسلامی بود؛ یعنی اجتناب از تسلط کفار و حفظ بیضه‌ی اسلام و تلاش برای اینکه دین مردم تغییر نکند. این رویکرد دیدگاه بیگانه‌ستیزی را تقویت می‌کرد که می‌توانست با نگرش ضداستعماری روشنفکران هم‌سو شود.

در مجموعه‌ی فتواها و نامه‌هایی که از روحانیون منتشر شد، دلایلی برای لزوم حمایت از شرکت اسلامی ذکر شده است (حبل‌المتین، ش ۴۱: ۳-۴). دیدگاهی که در همه‌ی این بیانیه‌ها پنهان است، نگرانی از نفوذ بیگانگان یا «دشمنان دین و مملکت» است که قصد نفوذ در بلاد اسلامی را دارند. این نفوذ علاوه بر بعد سیاسی، می‌توانست وجه اقتصادی نیز بیابد. گسترده‌ی سرزمین‌های اسلامی و عدم اتحاد میان آن‌ها، شرایط نفوذ را برای کشورهای غربی فراهم می‌کرد. یکی از استدلال‌هایی که برای لزوم مقابله با کالاهای غربی و حمایت از تولیدات داخلی بیان شده، این است که این کار موجب تقویت کفار و ضعف مسلمانان

می‌شود؛ زیرا آن‌ها ثروتمندتر می‌شوند و کسب و کار مسلمانان را کد می‌شود. استدلال دیگر برای تقویت صنایع داخلی، ایجاد اشتغال در سرزمین‌های اسلامی بود؛ زیرا مسلمانان برای یافتن شغل مناسب به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کردند. رونق تجارت موجب قوت دولت و ملت می‌شود. در این استدلال‌ها از میان دلایل عمده‌ی ضعف مسلمانان، به «فقدان تجارت و کسادی کسب» اشاره می‌شود و اینکه «منشأ و مبدأ» اختراعات غریبه و اکتشافات عجیبه که تا آن زمان نبوده و از آن‌ها (غربی‌ها) نمودار شده، «رواج تجارت» بوده است. در این دیدگاه، موفقیت و پیشرفت اروپاییان با پیروزی دین آن‌ها یکی دانسته شده و به کاهش مرادوه و معاشرت با آن‌ها توصیه شده است:

اگر از راه کسب و تجارت، قصد اضمحلال مسلمین نمودند، دفاع به این نحو خواهد شد که ترک استعمال امتعه و مصنوعات آن‌ها را نموده، مانع شد از رواج کسب و تجارت کفار در بلاد اسلام و این اجناس انجاس را از خاک پاک مسلمین اخراج کرد تا نه اجنبی را مغازه و کارخانه باشد و نه با او معاشرت و مخالطت شود ... ترک استعمال منسوجات خارجه چه در این ماده، دفاع به غیر از این نحو ممکن نیست (حبل‌المتین، ش ۴۳: ۵-۷).

در جای دیگر یکی از فواید شرکت اسلامی را این دانسته‌اند که اگر بدین شیوه کالا در داخل تهیه شود، بهای آن ارزان‌تر می‌شود و سود آن در داخل خرج می‌شود. مسلمانان تحمل «ننگ احتیاج و منت از اجنبی» را ندارند و اگر همه‌ی لباس‌های خارجی را طرد کنند، مایه‌ی ازدیاد ثروت و اعتبار مردم می‌شود، اشتغال افزایش می‌یابد و از آنجا که در دین توصیه به نفع رساندن به دیگران شده است، این کار موجب رواج بازار صنعت و تجارت می‌شود و به مردم نفع می‌رساند (واعظ اصفهانی، ۱۳۶۳: ۴۵-۵۳). همچنین فایده‌ی دیگر کاهش ارتباط با بیگانگان را کاهش خطر احتمالی نفوذ اجانب می‌دانستند؛ زیرا یکی از مهم‌ترین این مرادوه‌ها، مبادلات تجاری و احتیاج به اجناس آن‌ها بوده است. این نگاه زمینه‌ی حمایت گسترده‌ی روحانیون از شرکت اسلامی را فراهم کرد.

۵. فرجام شرکت اسلامی

با همه‌ی تلاش‌های تجار و تشویق و حمایت‌های روشنفکران، شرکت اسلامی از توفیق چندانی بهره‌مند نشد و فعالیت آن تداوم چندانی نیافت. علاوه بر حضور و رقابت سرمایه‌های بیگانه، عدم همراهی دولت نیز از دلایل شکست این شرکت به شمار می‌رود؛ به طوری که در برخی از اسناد شواهدی دیده می‌شود که نشان می‌دهند دولتمردان دربار مظفری به سخن شرکت را تأیید کرده‌اند و در عمل حاضر به همیاری نشده‌اند. در بین این اسناد نامه‌هایی وجود دارد که ادیب‌التجار، مدیر شرکت اسلامی، از صدر اعظم خواسته است لباس ارتشیان را از منسوجات شرکت خریداری کنند تا موجب تقویت شرکت شود؛ ولی مظفرالدین شاه در ذیل نامه نوشته است: «ضرر ندارد؛ اما مشکل است آن‌ها بتوانند از عهده برآیند» (ادب، ش ۱۸: ۱۳۹).

این پاسخ نشانه‌ی بی‌اعتمادی دولت به شرکت در انجام امور و عدم همکاری با آن‌ها بود که تداوم کار شرکت را با دشواری روبه‌رو می‌کرد. مورد دیگر، نامرتب بودن پرداخت وجوه سهام بود؛ چنانکه بعضی از خریداران، سهام می‌خریدند؛ ولی پرداخت وجوه آن را به بعد موکول می‌کردند یا برخی سهامداران از خرید پشیمان می‌شدند و بهای آن را طلب می‌کردند. منظم نبودن پرداخت سود سهام نیز موجب شکایت سهامداران و متوسل شدن به افراد صاحب نفوذ برای گرفتن سود یا پس گرفتن وجه سهام می‌شد. از آنجا که در ساختار اجتماعی دوره‌ی قاجار نظم و قانون مشخصی وجود نداشت، بی‌اعتمادی و شکاکیت پنهان در تفکر سنتی در چنین چارچوبی بر کل عملیات شرکت سایه‌ای از بی‌اعتمادی انداخته بود. نمایندگان شرکت در شهرستان‌ها، درآمد فروش کالاهای شرکت را به موقع ارسال نمی‌کردند و این امر نیز به اختلال در امور مالی شرکت می‌افزود. وجود کمپانی‌های رقیب و تعارضات درونی طبقه‌ی تجار به طوری که فعالیت برخی از تجار واردکننده‌ی کالاهای خارجی با عملکرد شرکت در تعارض بود، حضور و رقابت فعال سرمایه‌های خارجی، نبودن افراد آگاه و مطلع از علوم و فنون صنعت نساجی و تقلب در کار شرکت، از عوامل مهم عدم موفقیت شرکت به شمار می‌روند.

۶. نتیجه‌گیری

از نکات قابل توجه در تأسیس شرکت اسلامی و شرکت‌های مشابه آن در سال‌های قبل از مشروطیت این است که تجار با فهم خود از نوگرایی و لزوم تحول، توانستند مسائل صنفی خود را در چارچوبی ملی ببینند که نوعی دگرگونی به شمار می‌رفت. آنان از مفاهیم مدرنی آگاه شدند که از طریق روشنفکران در روزنامه‌ها مطرح می‌شدند. ملت (Nation)، تأکید بر وطن و حس ملی‌گرایی و «دیگری» به این تعبیر که دولت‌ها به جای توپ و تفنگ از منسوجات و کالا برای تهاجم استفاده می‌کنند، از تعابیر و مفاهیمی هستند که به‌خوبی شرایط پیش از انقلاب مشروطه را روشن می‌کنند.

تأسیس شرکت اسلامی و نمونه‌های دیگر از این نوع شرکت‌ها، واکنش سرمایه‌داری ایرانی به نفوذ گسترده و همه‌جانبه‌ی سرمایه‌ی بیگانه به بخش‌های گوناگون اقتصادی کشور بود. از آنجا که پیش از این تجربه‌ی مقابله با امتیاز تنباکو وجود داشت، تجار دریافته بودند که با همکاری با دیگر گروه‌های مؤثر اجتماعی می‌توان اهداف اقتصادی را پیش برد.

گذاشتن نام اسلامی بر شرکت و تأکید بر مبارزه با بیگانگان که اینک شکل مقابله با واردات کالاهای خارجی را گرفته بود، می‌توانست مورد حمایت روحانیون و روشنفکران قرار گیرد؛ همان‌طور که پیش از این نیز این همراهی در جنبش تنباکو به نتیجه رسیده بود. تجار در این شرکت به دنبال سود بردن بودند؛ مانند شرکت سهامی، یعنی گروهی غیرخویشاوند که با سرمایه‌های کوچک گرد هم می‌آمدند تا در شرکت انتفاعی سودآفرین شوند و از طریق تحریم کالاهای خارجی با بهره‌گیری از حمایت‌های روشنفکران توسعه‌گرا و روحانیون ضدبیگانه، رقیب قدرتمند خارجی خود را از میدان به در کنند و بر روابط آزاد بازار تأثیر بگذارند.

روحانیون نیز که از آغاز دوران قاجار به تدریج از قدرت سیاسی فاصله گرفتند، در مقابل نفوذ اجانب، بر دیدگاه بنیادین آغاز اسلام تکیه کردند؛ یعنی اجتناب از تسلط کفار بر بلاد اسلامی و حفظ بیضه‌ی اسلام و تلاش برای کاهش مرادده و معاشرت با کفار تا بر دین مردم تأثیر نگذارند. به این ترتیب، مقابله با دشمن اجنبی، آن‌ها را به طیف وسیعی از

روشنفکران توسعه‌گرای دوره‌ی قاجار نزدیک کرد که با نگرشی دووجهی، مبتنی بر عقب‌ماندگی عظیم کشور و رویکرد توسعه‌گرایانه و اندیشه‌های ناسیونالیستی، به دنبال یافتن راه حل بودند. از این دیدگاه، وجه ضدامپریالیستی دو گروه، آن‌ها را به یکدیگر نزدیک کرد و با وجود دیدگاه‌های متفاوت، نگرش مشترک آن‌ها پتانسیلی از همراهی و همکاری را فراهم کرد. گرچه هدف مشترک بود، روشنفکران در آن شرایط زمانی سنت را جوابگو نمی‌دانستند و به تأسیس و تقویت چنین شرکت‌هایی پرداختند و روحانیون برای نجات سنت و آنچه حفظ سرزمین و امت اسلامی می‌دانستند، به حمایت از این نوع شرکت‌ها برخاستند.

شرکت در دستیابی به اهداف بسیار بلندپروازانه‌اش، از درک واقعیات فراتر می‌رفت و به نوعی آرمان‌گرایی نزدیک می‌شد. هرچند در اواخر قرن نوزدهم میلادی نیز در اروپا روشنفکران توسعه‌گرا برای تأثیرگذاری بر سرمایه‌داران سودمدار، بر لزوم رعایت مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی تأکید داشتند، مبانی واقع‌گرایانه‌ی مبتنی بر قانون و نهادهای مدرن می‌توانستند از آن حمایت کنند. در ایران با وجود حمایت‌های لفظی برخی دولتمردان و در مواردی، همراهی‌های عینی برخی از آن‌ها که در معادلات قدرت و رقابت میان دسته‌بندی‌های مختلف دولتمردان این همراهی‌ها را ضروری می‌یافتند، عدم وجود قوانین حمایت‌گرایانه و نهادهای مدرن قانون‌مدار و نامشخص بودن روابط بین سهامداران خرد، کارگزاران شرکت و سهامداران عمده، چنین اتحادی نمی‌توانست تداوم یابد. در چارچوب عینی و ذهنی جامعه‌ی سنت‌مدار، چنین اتحادی همواره با شک و تردید مواجه بود؛ همان‌طور که در عمل نیز حاصل چنین شد.

منابع

- آدمیت و ناطق. (۱۳۵۶). *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده‌ی دوران قاجار*. تهران: آگاه.
- بامداد، مهدی. (۱۳۶۳). *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ هجری*. چ ۳. تهران: زوار.

- رجبی، محمدحسن. (۱۳۹۰). **مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعی**
دوره‌ی قاجار. تهران: نشر نی.

- رضوانی، هما. (۱۳۶۵). **رساله‌ی تاریخچه‌ی شرکت اسلامیة اصفهان**. تهران:
پژوهشکده‌ی فرهنگ ایران.

- نجفی، موسی. (۱۳۶۹). **اندیشه‌ی سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرایانه حاج آقا نوراله**
اصفهانی. [بی‌جا].

- (۱۳۹۰). **حکم نافذ آقاجنقی**. تهران: مطالعات تاریخ معاصر.

- واعظ اصفهانی، سید جمال. (۱۳۶۳). **لباس التقوا**. به کوشش هما رضوانی. تهران: تاریخ ایران.

- وامبری، آرمینوس. (۱۳۷۲). **زندگی و سفرهای وامبری**. ترجمه‌ی محمدحسین آریا. تهران:
علمی و فرهنگی.

- Mahdavi, Shireen, "Hajmuhammad Hassan Amin Al-zarb and His
world": A Case Study of Social Mobility in Qajar Iran, (Utah University,
1998)

روزنامه‌ها

- ادب. س ۱. ۵ شوال ۱۳۱۸. ش ۱۸.

- اطلاع. ۱۴ محرم ۱۳۱۷. ش ۴۷۶.

- پرورش. س ۱. ۸ جمادی‌الاول ۱۳۱۸. ش ۱۳.

- ثریا. س ۱. ۲ رمضان ۱۳۱۶. ش ۱۲.

- ۹ رمضان ۱۳۱۶، ش ۱۳.

- ۱۰ جمادی‌الاول ۱۳۱۷. ش ۴۷.

- ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۱۷. ش ۴۸.

- ۲۴ جمادی‌الاول ۱۳۱۷. ش ۴۹.

- دوم جمادی‌الثانی ۱۳۱۷. ش ۵۰.

- ۱۰ جمادی‌الثانی ۱۳۱۷. ش ۵۱.

- ۱۰ شوال ۱۳۱۷. ش ۱۳.

- ۱۷ شوال ۱۳۱۷. ش ۱۴.

- ----- س ۲. ۹ ربیع الثانی ۱۳۱۸. ش ۳۳.
- ----- ۱۰ جمادی الثانی ۱۳۱۸. ش ۱۶.
- ----- س ۱. ۲۱ جمادی الثانی ۱۳۱۸. ش ۱۷.
- ----- س ۱. شعبان ۱۳۱۸. ش ۲۳.
- حکمت. اول ربیع الثانی ۱۳۱۷. ش ۸
- حبل المتین. س ۷. اول ذی الحجه ۱۳۱۷. ش ۱۸.
- ----- اول ذی الحجه ۱۳۱۷. ش ۱۹.
- ----- ۸ ذی حجه ۱۳۱۷. ش ۲۰.
- ----- ۱۵ ذی الحجه ۱۳۱۷. ش ۲۱.
- ----- ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۱۹.